

# دست و جیغ

× از راست به چپ مطالعه کنید! ×

عطیه و آرزو و صنم بهترین شاگردهای کلاس هستند و در روز گروه‌بندی، سعی می‌کنند هم گروه شوند.



برای امتحانات پایان نیم‌سال، بناست تا هنرجویان رشته معماری به صورت گروهی، نمونه‌کی (ماکتی) را طراحی و درست کنند که تمام آنچه در طول ترم یاد گرفته‌اند در آن رعایت شده باشد تا بتوانند نمره کامل بگیرند.



## سرکلاس:

آرزو سر برمی‌گرداند و صنم را که دور ردیف از آن‌ها فاصله دارد را صدا می‌کند. صنم سر نیمکت آن‌ها می‌آید.



عطیه: گروه‌ها باید سه نفری باشند.



عطیه: آرزو، گروه خاصی مورد نظرت هست؟

آرزو: نه، باهم باشیم؟

به نظر من قوی‌ترین تیم می‌شیم و نمره کامل رو می‌گیریم.



عطیه: آره، نمونه‌کی که اول سال درست کردی خیلی خوب بود.



صنم: جانم، صدام کردی؟

صنم: آخه من با بچه‌های ردیف آخر هم گروه شده‌ام!



آرزو: صنم بیا با من و عطیه هم گروه شو.

اگر پیام، کارهای اون‌ها ناقص باقی می‌مونه!

عالیه: آره، اما  
اونا هم به نظرم تو  
کار طراحی خیلی خوب  
هستند و مشکلی  
براشون پیش نمیاد.



معلومه که  
شاگرد زرنگا با  
هم تیم تشکیل  
میدن، اونا هم باید  
در طول ترم کار  
می کردن.

صنم: خب  
مسئله همینها  
اون دو نفر تو طراحی  
خوب هستن و ما هم تو  
کارهای عملی. بقیه  
بچهها گناه دارن.



صنم:  
ما از وضعیت  
تکتگشون خبر  
نداریم که چرا  
نتونستن خوب  
درس بخونن.

عطیه: یعنی چی؟



آرزو:  
باشه بابا!  
هر چی تو بگی.  
حالا چیکار  
کنیم؟



به  
این هم فکر  
کنید که نصف ترم  
مجازی بود و خیلی از  
بچهها وسیله مناسبی  
برای برخط شدن  
سر کلاسها رو  
نداشتن!



صنم: به نظر من  
شما هم دوتایی توی  
یک گروه نباشید. هر  
کدومتون سرگروه یک گروه  
باشه و با بچهها خوب کار  
کنید تا همه بتونیم  
نمره خوب بگیریم.



گروهها شکل میگیرند و بچهها دو هفته برای آماده  
کردن ماکتها فرصت دارند. هر روز در مدرسه  
گروهها به نوبت و ترتیب روزها جمع میشوند

آرزو:  
فکر  
خوبیه!



عطیه:  
درست  
میگی باشه.



معلم:

احسنت، یکی  
از دیگری عالی تر!  
خیلی خوب کار کردید  
بچهها! خیالتون راحت،  
همهتون نمره کامل  
این درس رو  
میگیرید.



معلم وارد  
کلاس می شود و  
به نمونهها نگاه  
می کند.



و بخشی از کار را در کنار هم پیش میبرند تا روز  
موعود که قبل از ورود معلم ماکتها را روی سکو  
میچینند.



معلم  
می پرسد:  
تولد  
دوستاتون؟

یکی از هنرچوها بلند می شود و ماجرا را برای  
معلم تعریف می کند و معلم نیز نمره ویژه ای  
برای صنم و عطیه و آرزو در نظر می گیرد.

هنرجویان جیغ و  
هورا می کشند و  
سپس هر گروه  
به سر گروهشان  
هدیه ای می دهند تا  
تشکر کرده باشند.  
معلم جریان هدایا  
را نمی داند!

۲۴

